چهل و پنجمین نشست از سلسله نشستهای مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «نقد و بررسی کتاب المختصر من کتاب السیاق لتاریخ نیسابور» به بررسی این کتاب عربی اختصاص داشت که در عصر روز دوشنبه ۸۵/۴/۲۶ در محل مرکز برگزار شد. در این نشست آقایان علی رفیعی علامرودشتی، جویا جهانبخش، محمدکاظم رحمتی و علی بهرامیان، به ایراد سخنرانی پرداختند.

آقای ایرانی رئیس مرکز، ضمن تقدیر از استاد شفیعی کدکنی که گوی سبقت در پژوهش دربارهٔ تاریخ نیشابور را از دیگران ربوده‌اند، ایشان را بزرگترین نیشابور شناس ایران دانستند که با مقالات، تصحیح متون و ترجمه دربارهٔ تاریخ نیشابور اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران نهاده‌اند. آقای ایرانی در ادامه به معرفی کتاب و جایگاه آن پرداخت و گفت در این خصوص چهار کتاب مطرح است؛ ابتدا المختصر، دوم المنتخب، سوم السیاق و در نهایت تاریخ نیشابور و این در حالی است که از تاریخ نیشابور و السیاق اثری در دست نیست و تنها المختصر و المنتخب در اختیار است. هدف مرکز ابتدا چاپ هر دو متن یعنی المختصر و المنتخب با هم بود، ولی از آنجا که المنتخب پیشتر چاپ شده بود، لذا تنها به چاپ المختصر اقدام کردیم. وی ایراد وارد بر کتاب را آن دانست که به جهت ناشناخته بودن ملخّص می‌بایست روی جلد نوشته می‌شد. «الملخّص مجهول». وی در ادامه السیاق را اثر بسیار مهم در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران دانست و در پاسخ به اعتراض عده‌ای در علت نگارش «نیسابور» به جای «نیشابور»، بیان داشت که در منابع فقه‌اللغه دیده می‌شود که عرب شین را سین تلفّظ می‌کند، چنانکه نیشابور را نیسابور می‌گوید.

سپس در خصوص بازسازی متون در حوزه تاریخ نیشابور، به دیوان ابوبکر خوارزمی و تاریخ نیشابور اشاره کرد، که اولی را آقای دکتر حامد صدقی انجام داده‌اند که این مرکز چاپ کرد، و دیگری را آقای علی رفیعی علامرودشتی به عهده دارند.

علی بهرامیان

در پایان رئیس مرکز ثمرهٔ برگزاری چنین نشستهایی را نقدْ خود در راستای ارتقاء سطح کارهای در دست انجام و ارائه روشها و متدهای بهتر دانست.

در ادامه مدیر جلسه ، آقای علی بهرامیان، به نوعی تاریخ نگاری کهن اشاره کرد که متفاوت از درک فعلی ما در این خصوص است؛ تاریخ نگاریی که بیشتر در میان اهل حدیث دیده می‌شود. در این نوع تاریخ نگاری اسامی تمامی کسانی که نقل حدیث می‌کردند، ثبت می‌شد و شرحی مختصر نیز از آنها داده می‌شد. این اقدام وسیله‌ای بود برای جلوگیری از تحریف حدیث. به گفتهٔ بهرامیان این حرکت تا قرن ششم و هفتم دیده می‌شود و بعد از آن با فرو کاستن اصحاب حدیث به فراموشی می‌رود. از اینرو از کتابهایی همچون السیاق اطلاعات زیاد و متنوعی می‌توان کسب کرد که البته منظور نظر مؤلف آن روزگار نبوده؛ همچون اطلاع از محله سکونت برخی علما و یا مسجدی که نماز می‌گزاردند و حتی نقشه نیشابور آن زمان را در اختیار می‌نهد.

علی رفیعی علامرودشتی

سخنران بعدی آقای علی رفیعی علامرودشتی بودند که با معرفی مرزهای نیشابور قدیم و روایتهای مختلف در مورد حجم کتاب بیان کرد: اصل این کتاب تاریخ نیشابور تا قرن هشتم موجود بوده چرا که کسانی همچون

ذهبی از آن استفاده و حتی به تلخیص آن اقدام کرده‌اند. وی در ادامه به تلخیصهای انجام گرفته از این کتاب اشاره کرد که عبارتند از: تلخیص خلیفه از تاریخ نیشابور، تلخیص احمد الغازی که بیهقی از او به نام ملخص این کتاب نام می‌برد، تلخیص ابوبکر حازمی در کتابی با عنوان مقتضب تاریخ نیشابور، شمس الدین ذهبی در مختصر تاریخ الحاکم، ابوالحسن علی بن زکریای نیشابوری و علی بن زید در لباب الانساب که متأسفانه از میان تمامی این منابع تنها همین ترجمهٔ فهرست گونه خلیفه نیشابوری را در اختیار داریم.

وی در تعریف ساختار المنتخب من السیاق که سالها پیش چاپ شده، عنوان کرد که: ابتدا مؤلف مقدمه‌ای کوتاه از علت تألیف و سپس شرح حال حاکم نیشابوری و بعد دیگر دانشمندان، تا اوایل قرن هشتم را بر اساس حروف الفبا آورده. در المختصر نیز این طبقه بندی دیده می‌شود، با این تفاوت که از حرف «حاء» شروع و به «یاء» ختم می‌شود. همین طور در پایان المنتخب مؤلف سه ترجمه دیگر را به عنوان ملحقات آورده که در السیاق بوده است.

علی رفیعی در ادامه نتیجه گرفت که کتاب السیاق لتاریخ نیشابور در واقع ذیل و تکمله‌ای بر تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری است و در میان دو تلخیص موجود، المنتخب را کاملتر از المختصر معرفی کرد، هر چند المختصر را دارای امتیازاتی چند دانست و المنتخب را تنها کتابی رجالی معرفی کرد.

وی در ادامه قضاوت در خصوص ساختار تاریخ نیشابور و کتاب السیاق را به جهت در دسترس نبودن اصل کتاب دشوار خواند و تنها به گزارش از ساختار ترجمهٔ موجود از تاریخ نیشابور حاکم و دو تلخیص باقی مانده المنتخب و المختصر اکتفا کرد.

جویا جهانبخش

سخنران بعدی آقای جویا جهانبخش بود که کتاب المختصر را تَراجم‌نامه‌ای از نوع مورد توجه حدیث گویان و حدیث پردازان معرفی کرد، که بیشتر به معرفی محدثان

پرداخته. وی ویژگی خاص این کتاب را در «آینه‌گی» آن دانست، که نمایانگر فرهنگ و اندیشه و شرایط اجتماعی نیاکان ما است. او کاربرد این کتاب را عمدتاً در دو رشته پژوهشی حدیث پژوهان و صوفی پژوهان و به خصوص مورد دوم دانست، چرا که اطلاعات متصوفانه آن به خصوص در مورد ابوالقاسم قشیری ارزشمندتر است؛ تا جایی که می‌توان آن را نوعی قشیری‌نامه دانست که نه فقط شرح حال وی بلکه خاندان و وابستگان و مریدان و شاگردان او را نیز در بر دارد. وی در ادامه افزود: نقش زنان، منازعات مذهبی و کشاکشهای میان حنفیان به خوبی در این کتاب نمایان است. هم چنین در السیاق به عالمانی بر می‌خوریم که نشان از محافل علمی‌ای دارد که در روزگاران سلطان محمود در دربار غزنه تشکیل می‌شده. علاوه بر این به نام محدثانی برمی‌خوریم همچون عبدالقاسم عبدالله بن محمد که اهتمام زیادی به نقل حدیث نداشتند و با روایت تنها یک حدیث

محمدکاظم رحمتی

محدث خوانده می‌شدند. از دیگر شگفتیهای این کتاب به زعم جهانبخش شرح حال عالمانی بلند مرتبه است و شیوهٔ آموزش نقل حدیث از کودکی به کودکانی که تا دوران پیری حتی بدون به یادآوردن معلم خود آن را برای دیگران نقل می‌کردند و همینطور پدیدهٔ املاء و استملاء که چه روزهایی، چه اعیانی و چه مجالسی وجود داشته و یا در باب کتابداری و کتاب‌ورزی و افرادی که به صیانت از کتابها گماشته می‌شدند.

در پایان آقای محمدکاظم رحمتی با گزارشی از این کتاب اهمّیت آن را در تحقیقات محققان علی‌الخصوص محققان و پژوهشگران عربی برشمرد. وی با اشاره به چاپ عکسی کتاب السیاق توسط ریچارد فرای در دانشگاه هاروارد تحت عنوان حوادث نیشابور و با اشاره به پایان‌نامهٔ دکتری ریچارد بولیه با عنوان اعیان نیشابور آخرین تحقیق انجام شده در این مورد را توسط فان‌اس به نام حبیب جاوشی دانست که فهرست اعلام و اماکن این کتاب را با مقدمه خود به چاپ رسانده. وی همچنین تحقیق آقای بولیت را نشانگر خاندانها و اشراف بزرگ آن دوران همچون قشیری دانست. آقای رحمتی در ادامه بیانات خود افزود که این کتاب نه تلخیص، بلکه بخشی از متن اصلی کتاب است که تنها محقق آن از حجم برخی شرح‌حالهای گسترده کاسته و این مسئله‌ای است که آقای دکتر شفیعی کدکنی و احمد صالح العلی نیز به آن اشاره داشتند هر چند در خود کتاب نیز شواهدی دالّ بر این مسئله وجود دارد.

رحمتی با اشاره به ویژگی تاریخ نگاری محلی این کتاب، برای کسب اطلاعات بیشتر به کار فرانتس روزنتال با نام تاریخ نگاری در اسلام و تحقیق خانم پروانه پور شریعتی که در مجلهٔ مطالعات ایرانی در مجموعه مقالاتی آمده است اشاره داشت. همچنین در شماره‌ای از Iran study نیز آقای یورگن پل و خانم وداد القاضی، مطالبی در مورد تاریخ نگاری محلی هرات و بیهق ارائه داده‌اند. مادلونگ نیز در مقاله‌ای با عنوان ترکها و اشاعهٔ ماتریدیه به بررسی درگیریهای شافعیان و حنفیان پرداخته است.

رحمتی در تحقیق خود ملخّص کننده المختصر را به احتمال شافعی دانست هر چند حنفی بودن آن نیز به سستی محتمل است.

در خصوص اهمّیت السیاق برای تاریخ تصوّف، وی پژوهشگران را به تحقیقات خانم سارا سویری و ژاکلین شابی و آقای کریستوفر ملچرت و مقاله آقای پورجوادی در مجلهٔ نشر دانش ارجاع داد. وی این کتاب را اشاره جالبی به انتقال نقابت از سادات حسنی به حسینی و علت درگیریشان دانست. همچنین به عقیده وی می‌توان از طریق این کتاب اطلاعات گسترده‌ای در مورد تاریخ سلجوقی و علمایی همچون قشیری که در طبقه اشراف در پیوند با قدرت نیز بودند را بدست آورد.

رحمتی در پایان تحقیقات خانم ژاکلین شابی را موردی مناسب در خصوص کسب اطلاع از محل دفن این افراد دانست؛ افرادی که با نظر به موقعیت و شخصیتشان همچون امروزه در محل خاصی به گونه متمرکز دفن می‌شدند.
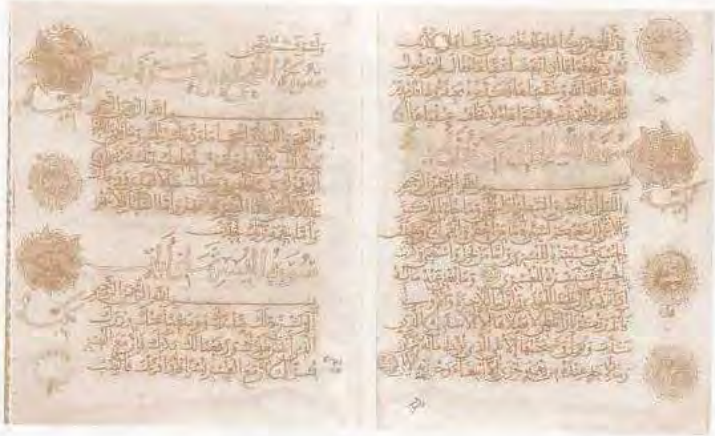
عکس‌ها از: شهروز نیائی

به اطلاع علاقه‌مندان می‌رساند، نشست‌های علمی مرکز پژوهشی میراث مکتوب همه هفته روزهای چهارشنبه از شبکه ۴ سیما، ساعت ۱۶ پخش می‌شود.